

در میقات صیام

حضرت نقطه اولی، حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



کتاب گنجینه حدود و احکام باب دوم - فصل دوم - صفحه 34

باب دوم - در روزه

فصل ثانی

در میقات صیام

در کتاب اقدس نازل قوله تعالی: "و اذا تمت ایام الإعطاء قبل الأمساک فلیدخلن فی الصیام کذلک حکم مولی الأنام." (بند ۱۶)

تبصره ۱ - بنص مبارک فوق شهر العلاء ماه روزه است و آن ماه نوزدهم از شهر بهائی است چون ماه هجدهم خاتمه یابد پس از آن بنص مبارک ایامها و اعطاء شروع میشود و از آغاز ماه نوزدهم (شهر العلاء) باید صائم شد. در لوح حاجی کاظم نساج از قلم عظمت جلّ جلاله نازل قوله تعالی: "یا احبائی ان اعملوا بما امرتم به فی الکتاب قد کتب لکم الصیام فی شهر العلاء صوموا لوجه ربکم العزیز المتعال."

و در لوح "یا احمد اسمع النداء من شطر الکبریاء" از قلم جمال قدم جلّ جلاله نازل قوله تعالی: "یا احمد علیک بهائی ذکر صوم و صلوة مجدد میشود تا معلوم و واضح گردد صوم بیان لدی الرحمن بطراز قبول فائز و در کتاب اقدس حکمش نازل. و اما الصلوة انما نزلت من قلبی الاعلی علی شأن تشتعل به الصدور و تجذب به الأفئدة و العقول."



ORIGINAL

تبصره ۲ - چون ذکر ایام هاء در کتاب الهی مقرون بذکر صیام وارد شده بنا بر این در ذیل این تبصره بایام هاء و سال و ماه این امر بدیع اشاره کرده سپس بنگارش باقی احکام صوم میپردازد.

در کتاب اقدس نازل قوله تعالی: "انّ عدّة الشهور عند الله تسعة عشر شهرا في كتاب الله قد زين اولها بهذا الاسم المهيمن على العالمين." (بند ۱۲۷)

مطابق نصّ صریح حضرت اعلیّ جلّ اسمه الاعزّ الاعلیّ سال مرگب از ۱۹ ماه و هر ماه عبارت از نوزده روز است. قوله تعالی: در باب ثالث از واحد خامس کتاب بیان " خداوند عالم خلق فرموده کلّ سنین را بامر خود و از ظهور بیان قرار داده عدد هر سنین را عدد کلّیّ و آنرا نوزده شهر قرار داده و هر شهر را نوزده روز فرموده شهر اول را بهاء و آخر را علاء نامیده."

اسامی شهور و ایام را حضرت اعلیّ جلّ اسمه الاعلیّ مطابق اسماء الهی که در دعای سحر شیعیان امامیه نازل شده مقرر فرموده‌اند و عنوان آن دعا این است: "اللهم انی اسئلك من بهائک باهء و کلّ بهائک بهی .." الخ

اسم آخر شهور که در این دعا ذکر شده علاء است و اسم اول بهاء و سایر اسامی نیز مطابق اسامی ایام و شهور امریست ولکن در شریعت بیان محلّ و مقام ایام زائده بر ایام سال امری معین نشده بود تا آنکه حکم آن از قلم جمال قدم جلّ ثنائه

در کتاب اقدس نازل شد قوله تعالی: "واجعلوا الايام الزائدة عن الشهور قبل شهر الصیام انا جعلناها مظاهر الهاء بین اللیالی و الايام لذا ما تحددت بحدود السنة و الشهور ینبغی لأهل البهء ان یطعموا فیها انفسهم و ذوی القربی ثمّ الفقراء و المساکین و یهلّون و یکبرن و یسبحن و یجندن ربهم بالفرح و الأنبساط" (بند ۱۶)

و در لوحی نازل: "و سال هم نوزده ماه مقرر و هر ماه نوزده روز که عدّه جمیع ۳۶۱ روز میشود. و چون ایام شمسی ۳۶۵ روز و بعضی سالها ۳۶۶ روز است پنج یوم زائده و کسر را که مظاهر هاء و ایام عطاء است و قبل از امساک مقرر فرموده‌اند باید قبل از شهر صیام قرار داد و ماه صیام ماه آخر است و روز نوروز روز عید ..."

و اسامی نوزده ماه را باین نحو مقرر فرموده‌اند ماه اول شهر البهء دوّم شهر الجلال سوّم شهر الجمال چهارم شهر العظمة پنجم شهر النور ششم شهر الرحمة هفتم شهر الکلمات هشتم شهر الکمال نهم شهر الاسماء دهم شهر العزّة یازدهم شهر المشیة دوازدهم شهر العلم سیزدهم شهر القدرة چهاردهم شهر القول پانزدهم شهر المسائل شانزدهم شهر الشرف هفدهم شهر السلطان هجدهم شهر الملک نوزدهم شهر العلاء و این نوزده اسم الله اسامی ایام هر ماه از ابتدا تا یوم نوزدهم اطلاق میشود مثلاً یوم اول هر ماه یوم البهء، دوّم یوم الجلال، سوّم یوم الجمال بهمین

نحو تا آخر و اسامی ایام هفته را نیز از اسماء الله تعین فرموده‌اند مثلاً شنبه یوم الجلال، یکشنبه یوم الجمال، دوشنبه یوم الکمال، سه‌شنبه یوم الفضال، چهارشنبه یوم العادل، پنجشنبه یوم الاستجلال جمعه یوم الاستقلال و بدء سنه از سنه اول ظهور است از واحد اول از اول تعداد نموده تا بنوزده که یکواحد است منتهی شود ثانیاً واحد دیگر کذا ثالثاً الی ما لانهایه ولی در تعداد سنه از اول و دوم و سوم الی عدد واحد او ازید تعداد ذکر واحد اول و ثانی و ثالث الی ای عدد یعدّ باید ذکر شود تا واحد منتهی نشده مرقوم میشود سنه اول یا دوم یا سیم از واحد اول و چون نوزده تمام شد سنه اول یا چهارم یا نهم مثلاً از واحد ثانی و یا ثالث و یا رابع الی ما لانهایه مرقوم میگردد.

و ایام الهاء چنانچه ذکر شد قبل از ایام صیام گرفته میشود.

جمال مبارک جلّ جلاله در لوح خلیل که از کتاب هیاکل سؤال کرده میفرماید قوله تعالی: "و اما ما سئلت فی الأيام انا جعلناها مظاهر الهاء فی ملکوت الأنشاء لذا ما تحدت بحدود السنه و الشهور ینبغی لمن فی البیان ان یطعموا فیها انفسهم ثم الفقراء و المساکین و یهللوا و یکبروا و یسبحوا و یجّدوا ربهم بالفرح و الأنبساط و اذا تمت الأيام یدخلن فی الصیام کذلک حکم مولی الأنام."

"این ایام بسط قبل از قبض و اعطاء قبل از امساک است لذا باید کلّ بکمال انبساط و ابتهاج و روح و ریحان بتهلل و تکبیر و تسبیح حقّ متعال مشغول شوند و در این ایام اجتماع و ضیافت و سرور لدی الله محبوبست. انشاء الله کلّ بکمال ما یمکن فی الامکان در این ایام متلذذ باشند و بعد وارد در شهر صیام شوند. طوبی للعاملین."

و در لوح دیگر نازل: "هو الأقدس الأعظم الأبهی هذه ایام البهآء و امرنا کلّ ان ینفقوا فیها علی انفسهم و علی الذین توجهوا الی هذا المقام المرفوع ان اذکروا الله فیها ثم اعرفوا قدرها لانها تحکی عن هذا الأسم الذی به سخر الله الغیب و الشهود انا جعلناها قبل الصیام فضلا من عندنا و انا المقتدر علی ما کان و ما یمکن. طوبی لمن عمل بما امر من لدی الله و ویل لكلّ غافل مردود."

راجع بایام هاء الواح مخصوصه از قلم مبارک نازل شده از جمله لوحی است که مطلعش اینست "بسمی الغریب المظلوم قد تشرفت الأيام یا الهی بالأيام التي سميتها بالهاء کان کل یوم منها جعلته مبشراً و رسولا لیشیر الناس بالأيام التي فيها فرضت الصیام علی خلقک و بریتک .." الخ

و لوح دیگر نیز که مطلعش اینست "یا الهی و ناری و نوری قد دخلت الأيام التي سميتها بایام الهاء فی کتابک یا مالک الأسماء." الخ

و در لوح دیگر که مطلعش اینست "هو الأقدس الأعظم الأبهى سبحان الذى اظهر نفسه كيف اراد انه لهُو
المقتدر المهيمن القيوم هذه أيام الهاء ..". الخ

که از قبل نگاشته شده. چون بر این جمله استحضار حاصل شد بذکر بقیه احکام میپردازد. در رساله سؤال و
جواب نازل: "سؤال - در غیر شهر العلاء اگر نفسی خواسته باشد صائم شود جایز است یا نه و اگر نذر و عهد
کرده باشد که صائم شود مجری و ممضی است یا نه؟ جواب - حکم صوم از همانقرار است که نازل شده و لکن
اگر نفسی عهد نماید لله صائم شود بجهة قضاء حاجات و دون آن باسی نبوده و نیست و لکن حقّ جلّ جلاله
دوست داشته که عهد و نذر در اموری که منفعت آن بعبادالله میرسد واقع شود."